

موسیقی در فرهنگ لرستان

تاریخ، فرهنگ، مردم‌شناسی و...



موسیقی در فرهنگ لرستان

سکندر امان الهی بهاروند

سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

بزرگ یونانی را نیز باید به یاد داشت که در نقد استاد خود افلاطون گفته است: «من استاد افلاطون را بسیار دوست می‌دارم اما حقیقت را دوست‌تر می‌دارم.»

کتاب در ۱۸۷ صفحه در سال ۱۳۸۴ چاپ شده و مشتمل بر دو فصل است. فصل اول پیرامون خنیاگران لرستان و فصل دوم به خنیاگری و سنت‌های مردمی پرداخته است.

در فصل اول ضمن مروری تاریخی بر سرزمین لرستان به تحولات اجتماعی و سیاسی از منظر مردم‌شناختی اشاره شده که در عین اختصار بسیار سودمند و قابل استفاده است. اما در متن کتاب اشتباهات تایپی و چایی فراوانی دیده می‌شود که به نظر بیشتر نشان از تعجیل در به چاپ رساندن کتاب دارد! هر چند اشتباهات تایپی و غلط‌های نگارشی در حوزه چاپ و نشر معضلی است که گریبان صنعت چاپ را رها نکرده اما کتابی که در صفحات نخست پیشگفتار آن به عنوان رساله معرفی شده و به قلم یکی از بزرگان علمی ایران منتشر شده است می‌بایست با

کتاب «موسیقی در فرهنگ لرستان» تألیف دکتر سکندر امان الهی بهاروند که به همت پژوهشگاه منتشر گردیده در زمینه‌ی فرهنگ، تاریخ، رسوم و مردم‌شناسی از منظر موسیقی لرستان نگاشته و تدوین شده است. این کتاب در عین سودمندی و پراچ بودن ضروری است که از دیدگاه موسیقی‌شناسی تخصصی مورد بررسی قرار گیرد. اساساً نشر و انتشار مقوله‌های علمی، فرهنگی و هنری به دلیل اهمیت و حساسیت‌شان دقت فراوانی را می‌طلبند. بنابراین شایسته است ضمن رعایت احترام نسبت به استادان این فن با به رسمیت شناختن دیدگاه‌ها و طرح نقطه نظرات به رشد و تعالی فرهنگ جامعه کمک نماییم.

نویسنده یکی از استادان رشته‌ی مردم‌شناسی در ایران و چهره‌ای علمی و شناخته شده است. وسعت نظر ایشان سبب شد تا نگارنده این نوشته را مشقی در پیشگاه خود استاد خود دانسته با این امید که اگر نکته‌ای در خور افتاد در چاپ بعدی لحاظ نمایند. هر چند ایشان یکی از وزنه‌های علمی و از مفاخر این استان هستند اما قول ارسطو فیلسوف

دقت هر چه تمام‌تر و حتی با کمک و مشورت کارشناسان و پیشکسوتان و فرهنگ‌شناسان آن حوزه‌ی فرهنگی ویراسته می‌شد تا ضمن رفع خطاهای احتمالی از جامعیت و صحت آن رساله اطمینان حاصل گردد. متأسفانه این رویه در جامعه علمی ما کمتر مرسوم است. به نظر می‌رسد استاد امان‌الهی از وجود این همه اشتباه بی‌اطلاع بوده‌اند زیرا با دقت نظر و حساسیت علمی که از ایشان سراغ داریم مشاهده این همه اشتباه تائبی تعجب‌برانگیز است.

در این مقاله ضمن اشاره به مواردی از این اشتباهات به عنوان نمونه به نکات تخصصی موسیقی نیز اشاره خواهد شد و سایر مطالب را بر عهده‌ی صاحب نظران می‌گذاریم. جدول نشانه‌های واج‌نگاری صفحه ۱۲ دارای اشتباهات تائبی است. در صفحه ۱۶ پاراگراف دوم تاریخ ۱۳۵۷ به اشتباه ۱۳۷۵ درج شده است. برخی از واژه‌های گویش لری و لکی و هم‌چنین آوانگاری (فونتیک) انگلیسی آنها دارای اشتباهات تائبی است، هم‌چنین واج‌نگاری تمام واژگان ضروری به نظر می‌رسد. بیشتر نمونه‌های شعری که اکثر آنها دارای اشتباه چاپی می‌باشند از مناطق جنوب لرستان انتخاب شده‌اند در صورتی که در یک تحقیق جامع می‌بایست با پرداختن به تمام حوزه‌های جغرافیایی تحت پوشش آن استان و منطقه و با ذکر نمونه‌هایی از آیین‌ها و سنت‌ها و عناصر فرهنگی گویش‌ها و لهجه‌ها به کامل بودن آن کمک شود. بنابراین جامعیت هر پژوهش علمی به ویژه این‌گونه تحقیقات منوط به ارائه‌ی نمونه‌هایی از طوایف و ایلات و مردم (شهر و روستا) لرستان است. ترجمه‌ی بیت ۱۵ صفحه ۶۴ از نظر تایی اشتباه و از لحاظ ترجمه ضعیف و نارسا است. در پایین صفحه‌ی ۷۱ مشخص نمی‌شود که شعر از نگارنده است یا ترجمه آن؟ در صفحه‌ی ۱۱ موسیقی به دو عنوان «موسیقی کلی» و «موسیقی محلی» تقسیم شده که معلوم نیست منظور از موسیقی کلی چیست؟ آخرین شعر صفحه‌ی ۶۷ اشتباه نوشته شده که صحیح آن این است «ناونم بخت منه یا هه چینه» *navenem baxte mena yahe cenina*. در

صفحه ۹۳ می‌بایست به جای کلمه «جزر» «جزر» نوشته می‌شد چون که در گویش لری «زجر» به صورت معکوس و محلی «جزر» تلفظ می‌شود و کلمات تغییر حروفی ندارند.

در پیش‌گفتار صفحه‌ی ۹ به منتشر شدن یکی از مجلات علمی موسیقی با عنوان موسیقی‌شناسی قومی *Ethnomusicology* اشاره شده که معلوم نیست منظور مؤلف انتشار این مجله در ایران است یا خارج از کشور؟ زیرا در داخل کشور مجله مستقلی تحت این عنوان تاکنون منتشر نشده است. البته گفتنی است که فصلنامه‌ی ارزشمندی تحت عنوان «موسیقی‌شناسی ایرانی» توسط استاد محسن حجابیان^۱ در آمریکا منتشر شده که بسیار ارزشمند است.]

در کتاب «موسیقی در فرهنگ لرستان» نیز همچون سایر کتاب‌ها و جستارها و مطالبی که پیرامون موسیقی لرستان نوشته می‌شود موسیقی

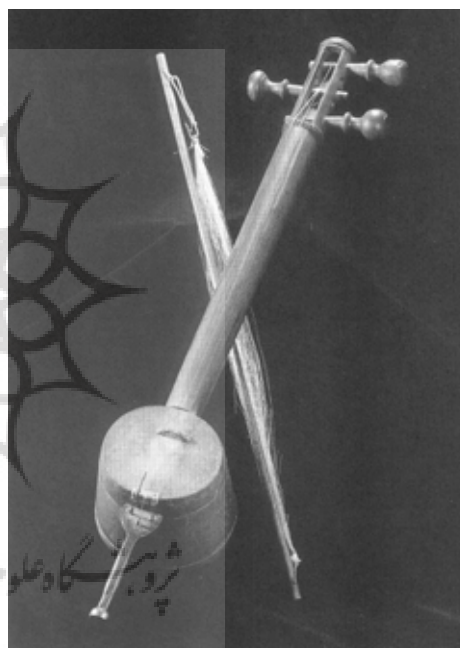
لری را به اشتباه ماژور یا ماهور نام‌گذاری کرده‌اند. چنان‌چه در صفحه‌ی ۱۵۳ آهنگ «قدم خیر» *Te* ماژور ماهور نام‌گذاری و معرفی شده است که پیوند علمی و منطقی این دو واژه که از دو فرهنگ جداگانه و دو ساختار فنی متفاوت تشکیل شده‌اند، امکان‌پذیر نیست یعنی نه ماژور ماهور است و نه ماهور ماژور و به کار بردن ترکیب «ماژورماهور» اشتباه است. بهتر است بدانیم طبق روش‌ها و الگوهای اتنوموزیکولوژی (موسیقی‌شناسی اقوام) موسیقی هر تمدنی براساس فرهنگ، واژگان، زبان، علم، احساس، سازشناسی، تئوری ... طبق مفاهیم و براساس آن مکتب تعریف و نام‌گذاری می‌شود. همان طور که می‌دانیم سیر (حرکت) گام‌های ماژور با سیر مقام‌های لرستان بسیار متفاوت‌اند. هم‌چنین سیر و چیدمان نت‌های موسیقی لری با حرکت نغمات دستگاه ماهور و طبقات و دانگ‌های آن تفاوت زیادی دارد زیرا دستگاه کلتی از گوشه‌ها و درجاتی است که تا کامل نواخته نشوند و این سیر طی نشود اطلاق لفظ دستگاه به آن نغمات اشتباه و نارسا خواهد بود. دستگاه دارای شرایطی



است که در مقاله‌ی جداگانه به آن خواهیم پرداخت. اما به عنوان نمونه برای ادای دستگاه ماهور به طور کامل می‌بایست گوشه‌ها و درجات اصلی مثل: درآمد - کرشمه - خسروانی - دلکش (یا یکی از اوج‌ها) - خاوران و عراق و... ترتیب گوشه‌ها پشت سر هم (ردیف) نواخته شوند. همین امر تعریف ردیف را کامل می‌کند زیرا باید نت‌ها و گوشه‌ها پشت سر هم (به ردیف) اجرا شوند تا بتوان نام دستگاه بر آن گذاشت. نکته‌ی دیگر اینکه هر کدام از دستگاه‌های موسیقی ایران می‌توانند دستگاه‌ها و آوازهای دیگری را در ساختمان خود جای دهند یعنی با مدردی در گوشه‌های اوج دستگاه ماهور مثل گوشه دلکش می‌توانیم به دستگاه شور تغییر مایه دهیم در صورتی که موسیقی مقامی نواحی ایران این‌گونه نیستند. حال با این تعاریف می‌بینیم گستره و دامنه‌ی صوتی مقام‌های (آهنگ‌های) موسیقی لری کم‌تر از گستره‌ی صوتی دستگاه ماهور است و موسیقی لری و حتی موسیقی سایر نواحی ایران شرایط دستگاه بودن

را ندارند ولی ماهیت و هویت مستقل خود را دارند و باید به نام مقام مورد نظر خود نام‌گذاری شوند.

این قضیه نه تنها برای اقوام ایران و سایر ملل ضعف محسوب نمی‌شود بلکه بیانگر هویت داشتن فرهنگ و موسیقی است که با وجود تفاوت‌های فرهنگی دارای تئوری و مفاهیم و معنای خاص خود می‌باشند. یعنی هر موسیقی معرف فرهنگ و زبان یک قوم است. بنابراین هر چند موسیقی لری شبیه به ماهور است و می‌تواند در آن کوک نواخته شود اما به دلیل اینکه فواصل چیدمان نت‌های آن کاملاً منطبق بر فواصل ماهور نیست و دارای یک هویت مستقل و شناسنامه است و نت‌های اصلی آن بیشتر از دو دانگ حرکت ندارند ماهور نیست، اما می‌توانیم بگوییم در مایه و محدوده‌ی ماهور اجرا می‌شود. مثلاً فواصل مقام علیدوستی که یکی از مهم‌ترین مقام‌های آوازی موسیقی لری به شمار می‌رود دقیقاً



کمانچه - لرستان

منطبق بر دانگ اول دستگاه ماهور نیست. یعنی نت‌های سیم اول ساز کمانچه که دست باز آن را re می‌نامند و سبابه نت mi و انگشت دوم نت fa را اجرا می‌کند اما این نت دقیقاً منطبق بر fa# نیست و کمی کمتر (به سمت گوشه‌ی ساز) گرفته می‌شود. بنابراین درجه سوم این مقام مثل نت ماهور فادیز fa# نیست. البته نوازندگان سایر سازها مثل تار و سه تار نیز برای اجرای فواصل مقام‌های لری می‌بایست پس از نواختن نت do دست باز و نت re با انگشت سبابه و برای درست زدن نت mi می‌بایست پرده ساز را به طرف می‌کرون mi برده و نت می را کمتر کنند.

نکته‌ی مهم دیگر اینکه با توجه به نمونه‌های نتاسیونی که در پایان کتاب آورده شده و ضمن ارج نهادن به تلاش استادان گذشته که نت نویسی موسیقی لری را در قدیم به عنوان اولین نمونه‌های ارزشمند

موسیقی لری انجام داده‌اند، باید این ترانه‌ها را دوباره بر اساس مدل‌های معاصر اتنوموزیکولوژی نت‌نویسی نمود. این نت‌نویسی‌ها نمونه‌هایی از سال‌های گذشته هستند که با وجود ارزشمند بودن، می‌بایست تصحیح گردند. پژوهشگران موسیقی لری به دلیل در دسترس بودن این نمونه‌ها از آن استفاده و حاضر نیستند از استیل‌ها و روش‌های معاصر در جهت بهبود و غنی نمودن تحقیق خود بهره گیرند. نمونه‌هایی از نت‌نویسی جدید ترانه‌های موسیقی لری که به وسیله‌ی نگارنده مقاله نت‌نگاری شده جهت پژوهش به میراث فرهنگی لرستان تحویل گردیده است.

نت‌نویسی موسیقی محلی می‌بایست براساس شیوه‌های معاصر ساده، بدون تغییر، بدون حاشیه و مقدمه، بدون نوشتن تنظیم و آهنگسازی و همچنین در محدوده‌ی گام‌های مرسوم مثل دو do باشد تا نمونه‌ی اصلی برای پژوهش محسوب و حتی برای هنرمندان و هنرجویان موسیقی قابل استفاده باشند.

اما این کتاب با وجود نقاط ضعف دارای مطالب و موضوع‌های پرارجی است که به نمونه‌ای از آنها اشاره می‌شود. در بخش اصل و نسب خنیاگران مطالب خواندنی و ارزنده‌ای نگاشته شده است که می‌تواند منبع خوبی برای پژوهشگران باشد.

در جدول صفحه‌ی ۲۸ شباهت واژه‌های خنیاگران لرستان و کولی‌های فارس به ارزشمندی مجموعه افزوده است. اشاره‌های تاریخی و تبارشناسی مطربان و بررسی نحوه‌ی امرار معاش و مشاغل این قشر از جامعه نمونه‌ی خوبی برای تحقیقات مردم‌شناختی و آسیب‌شناختی اجتماعی این قشر است. بررسی منزلت اجتماعی مطربان لرستان و اشاره به وضعیت آموزش و نقش این متغیرها در تغییرات اجتماعی با توجه به کمبود و فقر منابع مکتوب در این زمینه تلاش ستودنی و مغتنمی است که به قلم این استاد فرزانه محقق شده است.

بحث شاهنامه خوانی با وجود اینکه چکیده‌ای از مقاله‌ی شاهنامه‌خوانی دکتر امان‌الهی است که در نشریه شقایق سال اول شماره ۳ و ۴ پاییز و زمستان ۱۳۷۶ چاپ شده بود، اما ارزشمند و خواندنی است. طرح جلد کتاب بسیار زیبا و گیرا است. عکس‌های پایانی کتاب نمونه‌های تصویری خوبی برای دیدن برخی از نمونه‌های این جستار هستند.

کتاب «موسیقی در فرهنگ لرستان» در زمینه‌ی تاریخی و مردم‌شناسی و حتی آسیب‌شناسی موسیقی لرستان سرشار از مطالب ارزنده‌ی علمی و گرانبهایی است که به نظر می‌رسد بیشتر حاصل سفرها و تحقیقات میدانی استاد باشد. خواندن این کتاب به پژوهشگران و تمامی علاقه‌مندان موسیقی و فرهنگ لرستان توصیه می‌شود.

پانویس:

۱- دکتر محسن حجاریان متولد خرم‌آباد و دارای مدرک دکتری در رشته موسیقی‌شناسی قومی Ethnomusicology می‌باشد. وی هم‌اکنون استاد کرسی موسیقی‌شناسی دانشگاه تهران است. حجاریان از مفاخر لرستان و ایران بوده و ایشان دارای تألیفات متعددی در نشریات جهانی و همچنین مقالاتی در فصلنامه ماهور، کتاب سال شیدا و سایر نشریات تخصصی می‌باشد. ایشان در حال حاضر نیز استاد کلاس‌های پژوهش و مسئول کتاب سال شیدا مؤسسه‌ی فرهنگی هنری شیدا است.